



Assessing the Relations of the Iraqi Governments with Iran in the post-Saddam Era (۲۰۰۳-۲۰۲۵)

Zahra Khodaie^۱, Mohammad Torabi^۲, Mashallah Heidarpoor^۳



Abstract

Since the ۲۰۰۳ U.S. invasion, Iraq has gone through seven different governments, not counting the Transitional Council. Although the post-Saddam administrations have generally been fragile in terms of security, the economy, and governance, each Iraqi prime minister's performance—and their interaction with Iran—has been shaped by varying conditions and factors. Over the past two decades, these relationships have shifted significantly at different moments. This study aims to examine and assess the interactions between successive Iraqi governments and Iran after Saddam's fall, evaluating their performance and addressing a central question: What key factors and components influence the nature of the relationship between Iraq's ruling governments and Iran? The guiding hypothesis of the research is that governance and relations in post-Saddam Iraq are shaped by influential domestic factors—such as shared or competing national interests, as well as historical, religious, economic, and political ties—alongside external dynamics, including the roles of global and regional powers whose interests may align with or conflict with those of Iran. The study employs a descriptive-analytical approach, relying on library-based research methods and drawing on documents, online sources, and library materials.

Keywords: Iraq, Iran, US.

^۱ - Department of International Relations, Qo.C, Azad Islamic University, Qom, Iran.

^۲ - Department of Political Science, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran.

^۳ - Department of International Relation, Qo.C, Azad Islamic University, Qom, Iran.

تحلیل و ارزیابی روابط و مناسبات دولت‌های عراق با ایران در دوران پس از صدام (۲۰۰۳-۲۰۲۵)^۱

زهرا خدائی^۲، محمد ترابی^۳، ماشاءالله حیدرپور^۴



چکیده

عراق از زمان حمله آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ جدای از شورای انتقالی، تا کنون هفت دولت را به خود دیده است. فارغ از شکنندگی دولت‌های پس از سقوط در حوزه امنیت، اقتصاد و حکمرانی، عملکرد هر یک از نخست‌وزیران عراق و ارتباطشان با ایران تابع شرایط و عناصر متفاوتی بوده و در هر مقطعی طی دو دهه اخیر این مناسبات دستخوش تحولات مهمی شده است. پژوهش حاضر در صدد است تا ضمن تحلیل و ارزیابی روابط و مناسبات دولت‌های عراق با ایران در دوران پس از صدام و عملکرد آنها به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط و مناسبات دولت‌های حاکم بر عراق با ایران چیست؟ فرضیه غالب پژوهش این است که روابط و مناسبات حاکم بر عراق در دوران پس از صدام تابعی از عناصر تأثیرگذار داخلی نظیر منافع ملی مشترک و متعارض تاریخی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی در کنار عوامل خارجی نظیر نقش و جایگاه قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در قالب همسویی و تقابل منافع با ایران قابل تحلیل و ارزیابی است. پژوهش حاضر بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای-اسنادی و منابع مورد استفاده در پژوهش حاضر اسناد، اینترنت و کتابخانه می‌باشد.

واژگان کلیدی: امنیت انسانی، امنیت دولتی، حقوق بشر، توسعه انسانی، بهار عربی.

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد.

۲- گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳- (نویسنده مسئول) گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۴- گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

از زمان سقوط رژیم صدام حسین در عراق، متحدان و هم‌پیمانان ایران حضوری چشمگیر در ساختار سیاسی عراق داشته‌اند. طیف قابل توجهی از سیاستمداران شیعی که دوران تبعید خود را در زمان صدام حسین در ایران سپری کرده بودند، پس از سقوط رژیم، حاکمیت عراق را دست گرفتند و تلاش‌های مهمی برای برقراری ارتباط و تقویت مناسبات کشورشان با ایران صورت دادند. با این حال رابطه ایران و عراق پس از صدام متأثر از بسیاری از عوامل از جمله شکنندگی دولت‌ها، گذار از سیستم اقتدارگرا به سیستمی مبتنی بر مشارکت، نوپا بودن امر دموکراتیک، تأثیر و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی رابطه‌ای پیچیده، چند وجهی و مبتنی بر همکاری و رقابت بوده است. همه دولت‌های عراقی تا به امروز، به دلیل وابستگی به ایران در ابعاد مختلف امنیتی، اقتصادی و سیاسی، ناگزیر به تعامل با تهران بوده‌اند اما در عین حال تحت فشارهای فزاینده آمریکا و همچنین سایر قدرت‌های منطقه‌ای تلاش کرده‌اند تا از برخی مرزبندی‌ها عدول نکرده و در دام رقابت میان بازیگران خارجی نیفتند. هرچند عراق در مقاطعی، شاهد روی کار آمدن نخست‌وزیرانی غیر همسو با ایران بوده، اما در همه حال سیاستمداران این کشور در تلاش بوده‌اند حداکثر استفاده را از موقعیت خود به‌عنوان حلقه اتصال بین ایران و جهان عرب ببرند.

واقعیت این است که همه دولت‌های عراق پس از صدام، در حال اجرای یک سیاست ظریف و چند وجهی هستند. به این معنا که از یک سو، به دلیل واقعیت‌های میدانی (اعم از امنیتی، اقتصادی و سیاسی) به ناچار ناگزیر به نزدیکی به تهران بوده و از سوی دیگر، برای حفظ حاکمیت، جلوگیری از انزوای عربی و جذب حمایت‌های بین‌المللی، باید فاصله خود را با ایران حفظ نموده و با جهان عرب و غرب نیز تعامل مثبت داشته باشد. تلاش سیاستمداران عراقی در مدیریت و حفظ این تعادل پیچیده و تعیین‌کننده ثبات و آینده عراق را تضمین نموده و هر گونه لغزش در این مسیر می‌تواند کشور را به میدان نبرد نیابتی میان ایران و رقبایش تبدیل نماید. از سویی هر گونه موفقیت در حفظ این تعادل، می‌تواند عراق را به یک بازیگر مؤثر و صلح‌ساز در منطقه تبدیل نماید. از این رو، شناخت سیاست و حکمرانی در عراق و بررسی عملکرد هر یک دولت‌ها می‌تواند به سیاستمداران ایرانی در مدیریت انتظارات و همچنین عدم غافلگیری و جلوگیری از تکرار سیاست‌های اشتباه کمک نموده و از فشارهای غیر واقع‌بینانه که می‌تواند منجر به عکس‌العمل منفی و فاصله‌گیری عراق شود، خودداری نماید. از طرفی ایران می‌تواند با نگاه واقع‌بینانه به تغییرات در مواضع دولت‌های عراق به‌عنوان یک امر

اجتناب‌ناپذیر نگریده و از پاسخ‌های هیجانی به روند تحولات خودداری نماید. از سویی شناخت بهتر سیاست و حاکمیت در عراق می‌تواند به ایران در بهره‌برداری از نقش میانجی‌گری عراق در راستای رفع اختلافات کمک نماید. همان‌طور که در مذاکرات میان ایران و عربستان شاهد آن بودیم، بغداد به بستری قابل اعتماد برای گفتگوهای پشت پرده تبدیل شده و متعاقباً مذاکرات به نتیجه مثبتی انجامید. این مسئله همچنین می‌تواند به ارتقای تصویر ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای مسئول و صلح‌طلب کمک نموده و جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای تقویت نماید تا در نقش یک شریک هوشمند ظاهر شده و نفوذ خود را در عراق پایدارتر، عمیق‌تر و کم‌هزینه نماید.

از این رو، پژوهش حاضر در صدد است تا ضمن تحلیل و ارزیابی روابط و مناسبات دولت‌های عراق با ایران در دوران پس از صدام طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۵ و عملکرد آنها به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط و مناسبات دولت‌های حاکم بر عراق با ایران چیست؟ فرضیه غالب پژوهش این است که روابط و مناسبات حاکم بر عراق در دوران پس از صدام تابعی از عناصر تأثیرگذار داخلی نظیر منافع ملی مشترک و متعارض تاریخی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی در کنار عوامل خارجی نظیر نقش و جایگاه قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در قالب همسویی و تقابل منافع با ایران قابل تحلیل و ارزیابی است. پژوهش حاضر بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، شیوه کتابخانه‌ای و منابع مورد استفاده در پژوهش حاضر اسناد، اینترنت و کتابخانه‌ای می‌باشد.

پیشینه تحقیق

تحولات در عراق طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها و مقالات در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را به خود اختصاص داده که به اجمال به برخی از این مقالات اشاره می‌شود:

۱- کالبدشکافی احزاب و گروه‌های سیاسی عراق و تأثیر آنها بر روابط ایران و عراق (۱۳۹۵) نوشته محمد سهرابی، امراله اشرفی و مرتضی کریمی به تشریح احزاب و گروه‌های سیاسی فعال در عراق در سه سطح و دسته‌بندی بر اساس قوم‌گرایی، مواضع سیاسی آنها (مدافع، مخالف و میانه‌رو بودن آنها با مواضع جمهوری اسلامی) و همچنین براساس مذهب پرداخته است.

۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید (۲۰۱۸-۲۰۰۳) نوشته ایوب متی و ناصر هادیان (۱۳۹۸) به بررسی نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران از همسایگی با عراق پرداخته است. مقاله مذکور با استفاده از نظریه تهدید استفان والت به سیاست خارجی ایران

در قبال عراق پرداخته و مهم‌ترین دلایل نگرانی ایران در عراق را حضور نیروهای خارجی، تهدیدات آمریکا و تهدید تغییر رژیم و همچنین گرایش تجزیه‌طلبانه کردها و در نهایت ظهور داعش می‌داند. ۳- چالش‌های تجزیه عراق: منافع آمریکا و کشورهای همسایه (ایران، ترکیه و عربستان) (۱۳۹۳) نوشته مسعود اسلامی و ابراهیم کوهی و محمدزمان راستگو به تهدیدات امنیتی ناشی از تجزیه عراق برای همسایگان پرداخته و به بررسی عوامل بیرونی و درونی در صحنه سیاست عراق پرداخته است.

۴- نقش و جایگاه گروه‌های شیعه در ساختار سیاسی عراق پس از فروپاشی (۲۰۱۵-۲۰۰۳) نوشته فیروز نجفی، حسین مسعودنیا، سیدجواد امام جمعه‌زاده و حمید نساج (۱۳۹۶) ضمن بررسی پیشینه تاریخی فعالیت گروه‌های مذهبی و شیعی در عراق، الهام‌گیری آنها از جمهوری اسلامی ایران و در نهایت نقش و جایگاه شیعیان و قدرت‌گیری آنها در ساختار سیاسی عراق پرداخته است.

در میان طیف گسترده‌ای از مقالات علمی و تحلیلی‌هایی که اندیشکده‌های استراتژیک خارجی برخی از مهم‌ترین آثار به کار گرفته شده در پژوهش حاضر به شرح ذیل معرفی می‌گردد:

۱- ضد شورش در عراق (۲۰۰۳-۲۰۰۶) مقاله‌ای ۱۳۶ صفحه‌ای به قلم بروس پیرنی و ادوارد اوکانن، (۲۰۰۸) منتشر شده از سوی موسسه استراتژیک رند (Rand) ضمن بررسی تحولات عراق از ابتدای سقوط رژیم بعث، چالش‌های آمریکا طی بازه زمانی ذکر شده در راستای مقابله با القاعده و تروریسم در عراق را مورد کنکاش قرار داده است.

۲- سنی‌های عراقی در بحران نوشته استفن ویکن (۲۰۱۳) مقاله‌ای ۵۰ صفحه‌ای منتشر شده از سوی موسسه مطالعات جنگ (ISW) از سلسله مقالات امنیتی این موسسه به بررسی خشم موجود در جامعه سنی‌های عراق پس از سقوط حزب بعث پرداخته و ضمن بررسی مهم‌ترین شخصیت‌های جامعه اهل سنت عراق، به سیاست‌های سرکوب‌گرایانه مالکی در برخورد با سران حزب بعث و همچنین محدودسازی جامعه سنی‌های عراق پرداخته است.

دولت‌های روی کار آمده در عراق پس از سقوط صدام

عراق از زمان حمله آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ جدای از شورای انتقالی تا سال ۲۰۲۵ هفت دولت را به خود دیده است. فارغ از شکنندگی دولت‌های پس از سقوط در حوزه امنیت، اقتصاد و حکمرانی، عملکرد هر یک از نخست‌وزیران عراق تابع شرایط و عناصری بود که می‌توانست موفقیت نسبی هر یک از آنها را تضمین کند. چالش‌هایی همچون تروریسم، فساد، جامعه ناهمگون و متکثر و در نهایت حمله داعش و تسخیر شهرهای عراق از مهم‌ترین بحران‌هایی بود که دولت‌های عراقی طی

بیش از دو دهه پس از سقوط صدام با آن روبه‌رو بودند. معرفی دولت‌های مختلف و نگاهی مختصر به عملکرد هر یک از آنها می‌تواند نمایی از واقعیات موجود را ارائه دهد.

شورای انتقالی- دوره حکومتداری یک ساله

پس از سقوط صدام و حمله نیروهای ائتلاف به عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ در فاصله کوتاهی، شورای انتقالی عراق به ریاست پل برمر آمریکایی زمام امور را در دست گرفت. شورای انتقالی به مدت یک سال قدرت را در دست داشت، تا اینکه در سال ۲۰۰۴، با اکثریت آراء اعضای شورا، ایاد علاوی به‌عنوان اولین نخست‌وزیر عراق انتخاب شد.

۱- ایاد علاوی؛ اولین نخست‌وزیر شیعه عراق- یک سال حکومتداری

ایاد علاوی که از شیعیان عراق و از اعضای حزب بعث بود، قریب سی سال خارج از عراق زندگی کرده است. علاوی در سال ۱۹۷۵ از حزب بعث خارج و جنبش وفاق ملی عراق را بنیان نهاد. وی سالیان متمادی و تا پیش از تهاجم نیروهای ائتلاف به عراق، در نقش اپوزیسیونی فعال، ارتباطات گسترده‌ای با سایر نیروهای اپوزیسیون برای سرنگونی حکومت صدام حسین ایجاد کرده بود (Aljazeera, ۲۰۱۰). او پس از سقوط صدام به عراق بازگشت و در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان یکی از اعضای شورای انتقالی مسئولیت ایجاد تغییرات در ارتش، پلیس و سرویس اطلاعاتی عراق را بر عهده داشت. او بعد از یک سال در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴ از سوی شورا به سمت نخست‌وزیر و اولین رئیس دولت عراق پس از صدام حسین برگزیده و اداره عراق از شورای انتقالی به وی منتقل گردید و تا انتخابات پارلمانی به مدت یک سال این سمت را بر عهده داشت. دوران تصدی علاوی با اتهامات زیادی از جمله فساد گسترده، همکاری با ایالات متحده آمریکا و مواضع شدید و به شدت سختگیرانه در حوزه امنیت همراه بود. دوران حکومت کوتاه علاوی، عراق شاهد اقدامات گسترده نظامی برای مقابله با نفوذ ارتش مهدی (نیروهای وابسته به مقتدا صدر) بود و عملیات زیادی را علیه آنها در نجف انجام داد و آنها را در صحن امام علی محاصره نمود. وی به همین دلیل در یکی از مساجد شهر نجف ترور شد که جان سالم از آن به در برد. پس از آن حمله‌ای بسیار وسیع علیه افراد مسلح در شهر فلوجه آغاز نمود. برخی اقدامات ایاد علاوی در دوران نخست‌وزیری و زمامداری کوتاه وی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

- به کارگیری مجدد بعثی‌ها: علاوی در دوران زمامداری خود تلاش کرد تا بعثی‌هایی که در جنایات صدام نقشی نداشتند را به خدمت بگمارد. علاوی که خود شیعه و در اوان جوانی عضو حزب بعث

بود، تلاش کرد تا با این سیاست از جمعیت عراقی‌های سنی و ناراضی از سیستم جدید سیاسی بکاهد.

• **عفو برای شماری از مسلحین:** علاوی در دوران زمامداری خود با هدف آشتی و بازسازی عراق میان گروه‌های مختلف عراقی، شماری از شورشیان مسلح اعم از شیعه و سنی را عفو کرد (Wicken, ۲۰۱۳).

• **نزدیکی و حمایت از نیروهای ائتلاف به خصوص آمریکا:** سیاست علاوی در حمایت و همراهی با نیروهای آمریکایی به خصوص حمله گسترده آمریکا به شهر فلوجه، انتقادات زیادی را متوجه علاوی نمود. وضعیت اسفباری که در نتیجه حمله نیروهای آمریکایی به شهر فلوجه رخ داد، موجی از انتقادات جهانی را متوجه آمریکا و شخص نخست‌وزیر نمود. هشدارهای پیایی جهانی به خصوص کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل نسبت به خشونت به کار گرفته شده در عراق به منظور سرکوب شورشیان و همچنین ویرانی‌های بر جای مانده از حمله آمریکا، نگاه افکار عمومی نسبت به علاوی را تغییر داد (rferl, ۲۰۰۴). کشته شدن صدها نفر در عملیات فلوجه در ماه می و اکتبر ۲۰۰۴ و استفاده از فسفر سفید، انتقادات بی‌سابقه‌ای را از سوی گروه‌های حقوق بشری متوجه ایاد علاوی نمود (الجزیره، ۲۰۱۰).

به رغم همه اقدامات صورت گرفته از سوی تشکیلات علاوی برای استقرار ثبات در عراق، وی نتایج چشمگیری در این راستا به دست نیاورد. علاوی سه سال پس از زمامداری کوتاهش در گفتگویی با مجله اشپینگل در سال ۲۰۱۰ به شکست سیاست‌های آمریکا در عراق و سایر کشورهای خاورمیانه اذعان داشته و می‌گوید: «آمریکایی‌ها هفت سال است که در عراق هستند و هنوز عراق به ثبات لازم نرسیده است. آمریکایی‌ها باید سیاست‌شان در کل منطقه را تغییر دهند». علاوی در همان گفتگو در پاسخ به این سوال که: «آیا آمریکایی‌ها قصد دارند عراق را به بهانه تمرکز بیشتر بر افغانستان رها کنند»، می‌گوید: «ببینید در افغانستان چه می‌گذرد. یک شکست کامل است، مسئله اصلاً این نیست که آمریکا می‌خواهد عراق را به بهانه مبارزه در افغانستان رها کند؛ آمریکا باید استراتژی خود را در کل منطقه از آسیای میانه تا خاورمیانه مورد بازبینی قرار دهد؛ ناتو و اروپا هم باید همین بازبینی را انجام دهند. سیاست غرب اشتباه است. یک نگاهی به گوشه و کنار بیندازید: سومالی یک دولت کاملاً ورشکسته است؛ یمن با چالش‌های بسیار جدی روبه‌روست. فلسطین را ببینید؟ یک قدم به جلو، سه قدم به عقب بر می‌گردند.

عراق امروز ارتش آماده‌ای ندارد که بتواند مسئولیت‌های خود را به دوش بکشد. و از سویی نیروهای پلیس ما توسط برخی شبه نظامیان، مورد نفوذ قرار گرفته‌اند» (Spiegel, ۲۰۱۰). علاوی در حالی از نفوذ شبه نظامیان مسلح به سیستم امنیتی و پلیسی کشور پرده بر می‌دارد که چهار سال بعد یعنی در سال ۲۰۱۴ بسیاری از شهرهای عراق به واسطه همین نفوذ و عدم مقاومت نیروهای امنیتی عراق به دست داعش افتاده و سقوط کردند.

نگاه علاوی به ایران

نخست‌وزیر موقت عراق در طول یکسال زمامداری تا برگزاری اولین انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۵ همواره موضعی انتقادی و تند نسبت به نفوذ ایران در عراق داشت. علاوی در گفتگویی با شبکه ان‌بی‌سی در فوریه ۲۰۰۵ نسبت به نفوذ و دخالت ایران در عراق هشدار داده و صراحتاً تصریح می‌دارد که عمیقاً نگران نفوذ ایران و روی کار آمدن سیستمی شبیه سیستم جمهوری اسلامی در عراق است تا جایی که تلاش‌ها برای برقراری دموکراسی در عراق را عقیم بگذارد (nbcnews, ۲۰۰۵). علاوی هر چند در دوران نخست‌وزیری کوتاه خود تلاش کرد تا با موضعی محتاطانه و چند پهلوی ایران را متهم به دخالت در عراق کند، اما پس از پایان زمامداری با زبانی مملو از خشم و عصبانیت، و بسیار بی‌پروا، ایران را در بسیاری از مواقع به ایجاد اختلال در روند انتخابات، اختلال در نظم منطقه و بسیاری موارد دیگر متهم می‌کند. او تنها چند ماه پس از پایان زمامداری در گفتگویی با شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان می‌گوید: کشورهای خاورمیانه از جمله عراق، قربانی تروریست‌هایی هستند که از سوی ایران تأمین مالی می‌شوند. ایران در تلاش است تا منطقه را ویران کند و درباره عراق می‌توانم قاطعانه بگویم که ایران تلاش می‌کند تا روند سیاسی را مطابق با خواسته‌ها و الزامات خود تغییر دهد (telegraph, ۲۰۱۰). علاوی حتی ایران را به دیکتاتوری تشبیه می‌کند که در حال بلعیدن عراق است (washingtontimes, ۲۰۱۰).

با نگاهی به بازه زمانی مواضع تند و جنجالی ایاد علاوی با رسانه‌ها این گونه به نظر می‌رسد که عدم موفقیت وی در تشکیل دولت پس از انتخابات سال ۲۰۰۵ به رغم به دست آوردن اکثریت کرسی‌های پارلمان عراق و افول جایگاه حزب علاوی و سیاست‌های خشن و افراطی وی در دوره یکساله صدارتش از مهم‌ترین دلایل خشم علاوی است. او به رغم رایزنی‌های متعدد با سایر احزاب به دلیل کاهش محبوبیت حزبی در انتخابات بعدی یعنی در سال ۲۰۱۰ نیز شانس خود را در برابر مالکی از دست داده و همین مسئله یکی از مهم‌ترین دلایل برخوردهای هیجانی و تند علاوی علیه ایران است.

۲- دولت ابراهیم الجعفری (۲۰۰۵-۲۰۰۶)

دکتر ابراهیم الجعفری، چشم پزشک عراقی، رهبر تاریخی حزب الدعوه پس از سید محمد باقر صدر، در ژوئن ۲۰۰۴ به عنوان معاون در دولت ایاد علاوی، نخست وزیر دولت انتقالی عراق خدمت کرد. وی متعاقب اولین انتخابات پارلمانی آزاد در سال ۲۰۰۵ و پس از پیروزی ائتلاف عراق یکپارچه به عنوان نخست وزیر عراق انتخاب شد. جعفری در مقطعی ریاست دولت را بر عهده گرفت که عراق شاهد افزایش خشونت های فرقه ای و خونبارترین روزهای خود پس از سقوط صدام بود. ناتوانی جعفری در شناخت ابعاد امنیتی تحولات عراق و همچنین به ظن برخی از جریان ها، نزدیکی وی به ایران و همچنین شبه نظامیان نزدیک به ایران از جمله مقتدی صدر انتقادات زیادی را متوجه وی می کرد. به رغم همه انتقاداتی که نسبت به عملکرد جعفری و همچنین ناتوانی وی در مهار خشونت ها وارد می شد، وی تلاش زیادی برای برقراری رابطه کشورش با همسایگان از جمله عربستان و ایران به عمل آورد. جعفری همچنین در مذاکرات بر سر قانون اساسی جدید عراق نقشی مهم ایفا نمود و همواره بر این اصل تأکید می کرد که قانون اساسی باید منعکس کننده بافت اجتماعی متنوع عراق باشد و دولتی را روی کار بیاورد که حقوق همه گروه ها را رعایت کند. یکی از مهم ترین اتفاقات در زمان نخست وزیری ابراهیم الجعفری حمله و بمب گذاری در حریمین سامرا در فوریه ۲۰۰۶ بود. اتفاق مذکور تأثیر منفی بر جایگاه و موقعیت نخست وزیر عراق نهاد. جعفری در مدت کوتاه صدارت خود برای مقابله با خشونت و تروریسم در عراق، یک طرح امنیتی را ارائه کرد که جزئیات زیادی از آن منتشر نشد. این طرح با هدف بهبود امنیت، کاهش خشونت های فرقه ای و مبارزه با تروریسم طراحی شده بود (davidshub, ۲۰۰۵). مهم ترین اقداماتی که در زمان ابراهیم الجعفری در راستای مقابله با تروریسم صورت گرفت عبارت هستند از:

- **تقویت نیروهای امنیتی عراق:** آموزش، تجهیز و افزایش سقف توانمندی های نیروهای پلیس و ارتش عراق برای مقابله مؤثرتر با تهدیدات امنیتی. با فروپاشی ارتش عراق در سال ۲۰۰۳ این کشور عملاً بازوی امنیتی و نظامی خود را از دست داد. ارتش عراق که تا قبل از سقوط صدام، بزرگ ترین و مجهزترین ارتش خاورمیانه بود، با حمله آمریکا و انحلال ارتش دچار خلأیی بزرگ شد که پیامدهای آن تا سال ها گریبانگیر عراق بود.

- **هماهنگی با نیروهای ائتلاف و مبارزه با گروه های تروریستی:** همکاری نزدیک با نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا برای انجام عملیات مشترک ضد تروریستی؛ همچنین هدف قرار دادن گروه های

تروریستی مانند القاعده و سایر شبه نظامیان که باعث ناامنی در عراق می‌شدند. بسیاری از قبایل عراقی به دلیل احساس سرخوردگی پس از سقوط صدام، ضمن نزدیک شدن به گروه‌های مسلح و تروریستی در تلاش برای انتقام‌گیری از شرایط موجود و قدرت‌گیری شیعیان بودند.

- **کنترل مرزها:** افزایش نظارت بر مرزهای عراق به‌ویژه با سوریه و اردن برای جلوگیری از ورود تروریست‌ها و سلاح‌های غیر قانونی و در این چارچوب گسترش همکاری‌ها با همسایگان از جمله سوریه که همواره معبری برای ورود گروه‌های تروریستی به عراق بوده است. جعفری در توجیه این مسئله مهم‌ترین محور طرح خود را هماهنگی اطلاعاتی با همسایگان به منظور جلوگیری از نفوذ مردان مسلح از مرزها به داخل عراق اعلام می‌کند و هوشیار زیباری، وزیر خارجه وقت عراق را مأمور پیگیری این مسئله می‌نماید.

- **جلوگیری از تأمین مالی تروریسم:** شناسایی و قطع منابع مالی گروه‌های تروریستی از طریق اقدامات اقتصادی و بانکی (Rand, ۲۰۲۱). تصاحب شهرهای عراق و سوریه به دست داعش با مهمات و ماشین‌آلات سنگین بعدها نشان داد که حمایت مالی کشورهای عربی از داعش بیش از محاسبات برآورد شده از سوی دولت عراق و آمریکا است.

- **تقویت سیستم اطلاعاتی:** بهبود سیستم‌های جمع‌آوری اطلاعات و هماهنگی بین نهادهای امنیتی برای شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات. نخست‌وزیر عراق جلوگیری از نفوذ و رخنه تروریست‌ها به سیستم‌های اطلاعاتی عراق را یکی از مهم‌ترین اهداف این طرح خواند. تصویب قانون مقابله با تروریسم در زمان ابراهیم الجعفری یکی از اقدامات مهم دولت نوپای عراق در راستای مقابله با تروریسم بود (UNODC, ۲۰۰۵)

- **مقابله با خشونت‌های فرقه‌ای:** ایجاد ساز و کارهایی برای کاهش تنش‌های مذهبی و قومی و جلوگیری از تشدید خشونت‌های فرقه‌ای.

ابراهیم الجعفری تلاش کرد تا با رویکردی جامع، هم به مسائل امنیتی و هم به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی خشونت در عراق بپردازد؛ اما تلاش‌های او با محدودیت و چالش‌های عمیق ساختاری، اختلافات سیاسی و گسترده‌ی خشونت‌ها روبه‌رو شد و سبب شد اجرای کامل آن را با دشواری‌هایی مواجه شود که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

۱. **عمق و شدت بحران امنیتی:** خشونت‌های فرقه‌ای و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی مانند القاعده و سایر شبه نظامیان در عراق بسیار گسترده و سازمان یافته بود؛ عراق پس از صدام در دوره جعفری در حال آماده‌سازی و نیروگیری دولت اسلامی عراق و شام بود و کسی تصور نمی‌کرد که همین گروه در مدت زمان اندکی بتواند بخش قابل توجهی از سرزمین عراق را تصاحب کند. این گروه‌ها از ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کردند و کنترل کامل آنها دشوار بود. عدم استقرار دولت عراق و فروپاشی ارتش کشور به عنوان یک نیروی قوام‌دهنده به امور، عملاً دولت را در تنگنای سیاسی و امنیتی قرار داده بود. حمایت مالی گسترده از سوی برخی کشورهای منطقه‌ای و استفاده از ظرفیت سنی‌های خشمگین عراق، شکاف‌های امنیتی ناشی از چندپارگی جامعه عراق، این کشور را به سوی فروپاشی سیستم امنیتی سوق داد.
۲. **ضعف نهادهای امنیتی عراق:** نیروهای امنیتی و نظامی عراق در آن زمان به دلیل سال‌ها جنگ و تحریم، ضعیف و ناکارآمد بودند. آموزش و تجهیز نیروهای نظامی زمان‌بر و نیازمند سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی منسجم بود و تحقق این امر در کوتاه مدت نتیجه‌ای در بر نداشت. عراق پس از ۲۳ سال هنوز ارتش مستحکمی ندارد تا بتواند در برابر تهدید خارجی از آن دفاع کند.
۳. **اختلافات سیاسی و فرقه‌ای:** جامعه موزاییکی عراق که دهه‌های متمادی تحت سلطه اقتدارگرایانه یک جریان بود، با سقوط صدام دچار فروپاشی بی‌سابقه‌ای شد. اختلافات عمیق چندین دهه‌ای بین گروه‌های شیعه، سنی و کرد باعث شد همکاری کامل برای اجرای طرح جعفری وجود نداشته باشد. بسیاری از گروه‌های سیاسی از جمله ائتلاف سنی‌ها، با دولت الجعفری همکاری نمی‌کردند و او را نخست‌وزیری با وابستگی خارجی می‌دانستند و این موضوع اجرای طرح را با مشکل مواجه می‌کرد.
۴. **مداخلات خارجی:** مداخلات کشورهای منطقه و حمایت برخی از آنها از گروه‌های شبه نظامی، باعث تشدید خشونت‌ها شد. این موضوع کنترل کامل امنیت را دشوارتر کرد.
۵. **فساد اداری و امنیتی:** فساد در نهادهای امنیتی و دولتی باعث کاهش اثربخشی طرح شد. برخی عناصر فاسد در نیروهای امنیتی با گروه‌های تروریستی همکاری می‌کردند و این مسئله در

حالی رخ می‌داد که دولت و شخص نخست‌وزیر به این تحرکات واقف بودند اما توانایی توقف و یا تأثیرگذاری برای مهار این روند را نداشتند.

۶. ناکافی بودن زمان و اشتباهات در سیاست‌گذاری: دولت الجعفری تنها حدود یک سال زمام

امور را در دست داشت و این زمان برای اجرای کامل یک طرح امنیتی کافی نبود. از سویی سیاست بعثی‌زدایی و انحلال ارتش چنان جامعه بعثی عراق را دچار تنش و خشم نمود که به رغم حمایت مالی آمریکا، طرح جعفری تأثیر اندکی بر بهبود اوضاع نهاد و در نهایت جامعه سنی‌های عراق را به آغوش داعش سوق داد.

نگاه ابراهیم جعفری به ایران

بدون شک مواضع ابراهیم الجعفری را نمی‌توان فارغ از تاریخچه حضور وی در ایران در زمان صدام حسین مورد بررسی قرار داد. جعفری هرچند همانند سایر نخست‌وزیران عراقی عضو حزب دعو، تعلق خاطر قابل توجهی به ایران داشت، اما در بسیاری مواقع تلاش داشت تا با اظهارنظرهای چند پهلو این اطمینان خاطر را در میان توده مردم ایجاد نماید که وی نماینده مردم عراق است و در همین راستا تلاش فراوانی برای نزدیکی به سنی‌ها صورت داد، اما تلاش‌های وی برای جلب حمایت همه گروه‌های حاضر در جامعه چندپاره عراق به جایی نرسید و او پس از یک سال و نیم زمامداری و عقیم ماندن تلاش‌هایش برای بازگرداندن ثبات به عراق و همچنین نارضایتی عموم از عملکرد وی و فشارهای آمریکا مجبور به کناره‌گیری از قدرت شد.

۳- دولت نوری المالکی (۲۰۰۶-۲۰۱۴)

به رغم همه تلاش‌های ابراهیم الجعفری برای جلب رضایت سایر اقلیت‌ها، او به ناچار در میانه راه نخست‌وزیری مجبور به استعفا شد و جای خود را به نوری المالکی داد. نوری کامل محمد حسن المالکی سیاست‌مدار شیعه عرب و نخست‌وزیر اسبق عراق که در حال حاضر ریاست ائتلاف دولت قانون را بر عهده دارد، متعاقب انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ و با وقفه‌ای کوتاه در روند تشکیل دولت در آوریل ۲۰۰۶، نخست‌وزیر عراق شد. او طی دو دوره تا سپتامبر ۲۰۱۴ در مقام نخست‌وزیری باقی ماند. مالکی همانند بسیاری از سیاستمداران عراقی از دل حزب سنی الدعوه پا به عرصه سیاسی عراق نهاد. او بعدها با تشکیل ائتلاف دولت قانون، یکی از مهم‌ترین ائتلاف‌های عراقی را بنیان نهاد. دوران نخست‌وزیری مالکی طولانی‌ترین و یکی از پرفراز و نشیب‌ترین دوره‌های نخست‌وزیری بود. به رغم

اقبال بالای مالکی در میان رأی‌دهندگان عراقی، او در دوره زمامداری به تشدید شکاف‌ها میان شیعیان و سنی‌ها و نادیده گرفتن حقوق سنی‌ها متهم می‌شد. در همین چارچوب، بسیاری از رسانه‌ها دلیل اصلی بروز و ظهور داعش در عراق را نتیجه سیاست‌های یکجانبه مالکی در سرکوب سنی‌ها دانسته و بر این باور هستند که سرخوردگی این طیف، آنها را به آغوش داعش هدایت نموده و آنها به ناچار و از سر استیصال دروازه‌های شهر را به روی تروریست‌های داعش گشودند (IISS, ۲۰۱۵). هر چند سیاست‌های سخت‌گیرانه مالکی در بروز و ظهور داعش کم‌تاثیر نبود اما ریشه ظهور و قدرت‌یابی داعش را باید در عوامل متعدد دیگری جستجو کرد که بدون شک در عمق جامعه چندپاره عراق و همچنین نفوذ و بازیگردانی عوامل خارجی ریشه دارد. مالکی متهم بود که با ایجاد نهادهای امنیتی فرا قانونی -خارج از چارچوب قانون اساسی عراق- در راستای دور زدن وزارت کشور و ایجاد یک زنجیره فرماندهی غیر رسمی که مستقیماً از دفتر وی فرمان می‌گرفت، گام برداشته و تلاش می‌کرد بر فعالیت‌های میدانی و نظامی اثر بگذارد (Sullivan, ۲۰۱۳). همچنین پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ کنترل و تسلط خود را بر روی بسیاری از نهادهای غیر نظامی عراق از جمله قوه قضائیه و نهادهای مستقل مانند کمیسیون انتخابات، بانک مرکزی و سازمان نظارت بر مبارزه با فساد تشدید کرد (Ibid). نوری مالکی نسبت به قدرت گرفتن بازماندگان بعثی و همچنین نگرانی از احتمال کودتای آنها بارها نگرانی خود را به شکلی صریح به نیروهای آمریکایی نشان داده بود و از این رو در دوران نخست‌وزیری خود گروهی از نظامیان وفادار به دولت را شکل داد تا همه تحرکات نظامی را زیر نظر داشته باشند (Keating, ۲۰۱۴).

به رغم همه انتقاداتی که به شخص مالکی و کارنامه سیاسی وی از سوی منتقدان وارد می‌شود، اقدامات وی در حوزه اقتصادی و اجتماعی قابل توجه است. مالکی در سال ۲۰۰۸ در کنفرانسی ضمن اشاره به آمارهای اقتصادی اعلام کرد که نرخ تورم از ۶۵ درصد به ۲۲ درصد در سال ۲۰۰۶ و همچنین نرخ بیکاری از ۲۸ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است (Kuna, ۲۰۰۸). اختصاص بودجه ۷۶ میلیون دلاری برای کودکان و خانواده‌های بی‌سرپرست، افزایش دسترسی مردم به آب و همچنین اتصال به سیستم فاضلاب، افزایش تولید نفت به روزانه سه و نیم میلیون بشکه، تأسیس ۷۰۰ مدرسه و ۳۷ بیمارستان از دیگر اقدامات مالکی در زمان صدارت است (Ibid).

رابطه مالکی و ایران

منتقدان مالکی، وی را به سرسپردگی به تهران متهم می‌کردند. ناگفته نماند که ایران نقش مهمی در افزایش حمایت‌ها و اجماع‌سازی در میان احزاب سیاسی عراق در راستای حمایت از مالکی داشت. در زمان وی، ایران به یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاران در حوزه‌های مختلف اقتصادی تبدیل شد. حجم مبادلات ایران و عراق در سال ۲۰۱۰ به ۵ میلیارد دلار می‌رسید. در سال ۲۰۰۸، ایران یک اعتبار یک میلیارد دلاری برای پروژه‌هایی که از پیمانکاران و نیروی کار ایرانی استفاده می‌کنند، اختصاص داد. همچنین در فوریه ۲۰۰۹، قرارداد ۱.۵ میلیارد دلاری برای ساخت مجموعه‌ای از خانه‌ها، مدارس، هتل‌ها و مغازه‌ها در بصره به ایران اعطا شد (asianews, ۲۰۱۰). پروژه‌های ساختمانی به‌خصوص آن دسته از عملیات عمرانی که ارتباط نزدیکی با گردشگری مذهبی دارند، حوزه دیگری بود که ایران در آن حضور پررنگ داشت. گفتنی است ایران دو قرارداد مهم گازی با عراق دارد: قرارداد بغداد که در سال ۹۲ و در زمان صدارت مالکی امضا شد و دیگری قرارداد بصره که در تیرماه ۱۳۹۴، پس از پایان صدارت مالکی و البته با تلاش‌های دولت او میان ایران و عراق به امضاء رسید. قرارداد کوتاه مدت ۶ ساله صادرات گاز به بصره در سال ۱۳۹۴ با هدف ارسال روزانه ۳۵ میلیون مترمکعب گاز به این منطقه امضا شد و ایران مطابق قرارداد متعهد گردید در فصل سرد سال روزانه ۲۰ میلیون مترمکعب و در فصل گرم نیز روزانه ۳۵ میلیون مترمکعب گاز به بصره صادر کند (ایسنا، ۱۴۰۲) و این در حالی است که هر دو قرارداد مذکور به همت دولت نوری مالکی و تلاش‌های وی به سرانجام رسید.

۴- حیدر العبادی (۲۰۱۴-۲۰۱۸)

دکتر حیدر العبادی در سال ۱۹۵۲ در بغداد به دنیا آمد. فارغ‌التحصیل دکترای مهندسی الکترونیک و برق از دانشگاه منچستر انگلیس در سال ۱۹۸۰ است. وی در سال‌های تبعید در انگلستان به‌عنوان یکی از سازمان‌دهندگان و بعدها به‌عنوان سخنگوی حزب الدعوة فعالیت می‌کرد. العبادی در دولت ایاد علاوی وزیر ارتباطات عراق بوده و در سال ۲۰۰۵ نماینده پارلمان و رئیس کمیته اقتصاد و سرمایه‌گذاری پارلمان عراق بود. حیدر العبادی در سال ۲۰۱۴ بعد از نوری مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر عراق انتخاب و تا سال ۲۰۱۸ در این سمت باقی ماند و توانست دوره چهارساله صدارت خود را به پایان برساند. العبادی همانند اسلاف خود در دوران نخست‌وزیری با چالش‌ها عیدیده‌ای روبه‌رو بود. در بعد داخلی، مهم‌ترین بحران و چالش دولت وی، حمله داعش به عراق بود؛ دوران نخست‌وزیری العبادی مصادف

بود با اوج پیشروی داعش در شهرهای مختلف عراق. او با حمایت‌های ایران و آمریکا توانست نظامیان عراق را سازماندهی و در نهایت داعش را از عراق بیرون براند. دومین بحران العبادی برگزاری رفراندوم استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ بود که در نهایت العبادی نتوانست هیچ اقدام مؤثری برای جلوگیری از این اقدام صورت دهد و در نهایت به اتحاد برخی تحریم‌ها علیه اکراد بسنده نمود. و در نهایت نارضایتی عمومی که هراز گاهی عراقی‌ها را به دلیل فساد اقتصادی موجود در حاکمیت به خیابان می‌کشاند، و مجموع این عوامل دولت العبادی را به یکی از شکننده‌ترین دولت‌ها تبدیل کرده بود (CSIS, ۲۰۲۲).

حیدر العبادی در کتابش که در سال‌های پس از صدارت با عنوان «پیروزی ناممکن؛ عراق چگونه داعش را شکست داد؟» ضمن اشاره به وجود فساد سیستماتیک در ساختار ارتش به این مسئله اشاره می‌کند که در زمان اوج مبارزه با داعش، وی یارانه سوخت را در چند مرحله کاهش می‌دهد، به این دلیل که در اثنای مبارزه با داعش، نخست‌وزیر عراق متوجه می‌شود که سوخت مورد نیاز ارتش به دست نظامیان داعش نیز می‌رسد. او ضمن اشاره به ناکارآمدی سیاست‌های آمریکا در تقویت ارتش عراق می‌گوید: «آیا کشوری را سراغ دارید که آمریکا به آن ورود کرده و از آن خارج شده باشد؟ در حال حاضر آمریکا در ۸۳ کشور جهان حضور دارد و تا زمانی که آمریکا در عراق حضور دارد ظاهراً نیازی به حضور ارتش مستقل و قوی عراق نیست». وی می‌افزاید: «شکاف بزرگی بین توانایی‌های ما و آنها وجود داشت، زیرا ما نه تنها ارتش نداشتیم، بلکه یک ارتش بی‌روحیه و فروپاشیده داشتیم. ما یک کشور ویران شده بودیم. بنابراین، شکاف بزرگی وجود دارد و برای ایجاد ظرفیت به سال‌ها تلاش نیاز بود، و من فکر می‌کنم برنامه‌ریزان ارتش ایالات متحده تصور می‌کردند که اجرای نمایش برایشان بسیار آسان‌تر از صرف هزینه زیاد برای انتقال این توانایی‌ها به عراقی‌ها است. و یک ملاحظه مهم دیگر این بود که آیا آنها می‌خواهند عراقی‌ها را توانمند کنند تا از آنها بخواهند که آنجا را ترک کنند؟ فکر می‌کنم این یک سوال اساسی است» (Ibid).

رابطه العبادی و ایران

رابطه ایران با دولت حیدر العبادی بسیار مثبت و مبتنی بر همکاری‌های استراتژیک بود. ایران در زمان وی، در کنار نیروهای حشد الشعبی در شکست داعش پا به پای نظامیان عراق جنگید و حضور ایران در میدان‌های مبارزه عراق با داعش در کنار نیروهای آمریکایی تصویر مهمی از ایران در میان سیاستمداران عراقی ایجاد کرده بود. عبادی در گفتگویش با موسسه مطالعات استراتژیک و بین‌المللی

در سال ۲۰۲۲ در پاسخ به سوالی درباره افزایش نقش ایران در عراق می‌گوید: «داعش به‌عنوان تهدیدی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، خطری مهم برای امنیت ملی ایران نیز به شمار می‌رفت. داعش به مرزهای ایران نیز رسیده بود و از همین رو بود که عراق با ایران دارای منافع مشترکی در مبارزه با داعش بود». العبادی هرچند هر از گاهی با انتقاد از نقش ایران، تلاش می‌کرد رضایت منتقدان دولتش را جلب کند، اما وی بر این باور بود که ایران نقش مهمی در تأمین امنیت و ثبات کشورش ایفا می‌کند و در بیان صریح آن ابایی نداشت. ایران در دوران صدارت حیدر العبادی نیز به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان مهم برق و گاز، جایگاه مهمی در اقتصاد و انرژی عراق داشت.

۵- عادل عبدالمهدی (۲۰۱۸-۲۰۱۹)

دکتر عادل عبدالمهدی المتفکی متولد ۱۹۴۲ سیاستمدار و اقتصاددان، وزیر نفت، معاون سابق رئیس‌جمهور و از رهبران مجلس اعلای اسلامی عراق است. وی طی سال‌های ۲۰۱۸ تا سال ۲۰۱۹ نخست‌وزیر عراق بود. او همچنین در دولت موقت ایاد علاوی، وزیر دارایی عراق بود. المهدی قبل از سقوط صدام حسین از چهره‌های بارز مخالف حکومت بعث بود؛ او مبارزه علیه نظام بعث را در هنگام اقامت خود در پاریس با گرایش مارکسیستی آغاز کرد. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به اسلام‌گرایان پیوست و رابطه بسیار خوبی با محمد باقر حکیم و دیگر معارضین حاضر در ایران برقرار کرد و بعدها از بنیان‌گذاران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق شد. عادل عبدالمهدی پیش از ترک عراق از طبقه مرفه المتتوق (ناصریه فعلی) و کوت به شمار می‌رفت و در همانجا زندگی می‌کرد، جایی که هنوز هم خانواده‌اش منتسب به آن هستند. پدرش در دوران سلطنت ملک فیصل اول وزیر و همچنین نماینده مجلس سنا از متتوق (ناصریه) عراق بود که به همین دلیل عنوان المتتوقی را برای او به ارمغان آورد. عبدالمهدی در اکتبر ۲۰۱۸ پس از هفته‌ها بن‌بست سیاسی که در آن مقتدی صدر و العامری نتوانستند آرای کافی برای تشکیل دولت را به دست آورند، به قدرت رسید. آنها عبدالمهدی را به‌عنوان نامزد مصالحه برای رهبری یک دولت ائتلافی شکننده منصوب کردند. او یک فرد مستقل و یک اسلام‌گرای فرانسوی زبان و طرفدار بازار آزاد بود و به فهرست تحت رهبری شیعیان تعلق داشت که در سال ۲۰۰۵ اکثریت کرسی‌های پارلمان عراق را به دست آورد (Global Security, ۲۰۱۹). عادل عبدالمهدی با وظایف خطیر بازسازی کشور پس از چهار سال جنگ با داعش، التیام تنش‌های قومی و فرقه‌ای و ایجاد تعادل در روابط خارجی با دو متحد اصلی عراق - ایران و رقیب آن، ایالات متحده - روبه‌رو بود و توسط دو بلوک رقیب، یکی به رهبری مقتدی صدر و حیدر العبادی، و دیگری توسط

هادی العامری، رهبر بلوک سیاسی طرفدار ایران و نوری المالکی، به نخست‌وزیری رسید (Ibid). دوران صدارت المهدی عراق با بدترین نوع تنش‌های اجتماعی و سیاسی روبه‌رو بود که در نهایت منجر به شکل‌گیری «جنبش تشرین» (جنبش اکتبر) شد. جنبشی که با تظاهرات پی در پی عراقی‌های خشمگین همراه بوده و نخست‌وزیر را فاقد توانایی و کفایت لازم برای اداره کشور و بحران‌های اقتصادی و مهار فساد می‌دیدند. طرفداران جنبش تشرین، ماه‌های متوالی کنترل خیابان‌های بغداد، نجف و بصره را در دست داشتند و در نهایت نخست‌وزیر عراق را پس از یک سال زمامداری مجبور به استعفا کردند.

رابطه المهدی با ایران

عادل عبدالمهدی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به ایران سفر کرد. در آنجا، او جذب ایده‌های انقلاب ایران شد و از یک شکل میانه‌رو از حکومت روحانیون در عراق حمایت کرد. در ایران، او همچنین روابط نزدیکی با محمد باقر حکیم، رهبر شورای عالی انقلاب اسلامی عراق و عبدالعزیز حکیم برقرار کرد. پس از سقوط صدام حسین، عبدالمهدی به همراه بسیاری دیگر از اعضای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در سال ۲۰۰۳ به عراق بازگشت و در زمان ایاد علاوی وزیر دارایی شد. او نقش کلیدی در متقاعد کردن قدرت‌های بزرگ برای بخشش ۸۰ درصد از بدهی‌های عراق ایفا کرد (Global Security, ۲۰۱۹). عبدالمهدی به عنوان یک سیاستمدار میانه‌رو در تلاش بود تا روابط بغداد و تهران با کشورهای عربی بالخصوص عربستان سعودی در حالتی از توازن قرار داشته باشد. از طرفی به رغم فشارهای آمریکا برای محدود کردن حشد الشعبی، نخست‌وزیر عراق نقشی متوازن میان دو طرف برقرار نمود. حتی در جریان تنش‌های آمریکا و ایران متعاقب ترور سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در ژانویه ۲۰۲۰ و حمله موشکی ایران به پایگاه عین الاسد آمریکا، دولت عبدالمهدی موضعی محتاطانه اتخاذ و خواستار جلوگیری از تبدیل شدن عراق به میدان نبرد شد. در حوزه روابط اقتصادی، ایران در زمان عادل عبدالمهدی، همچنان یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری عراق و مهم‌ترین تأمین‌کننده برق و گاز این کشور باقی ماند. گزارشات موجود آماری گمرک ایران بیانگر آن است که حجم صادرات غیر نفتی ایران برای ۳ سال متوالی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ به ترتیب ۸۹۹۱، ۹۰۲۶، ۷۴۳۱ میلیون دلار بوده که ایران را در میان سه کشور اول مقصد صادراتی ایران قرار داده است (الفیاض و کوشکی، ۱۴۰۲: ۶۷).

۶- مصطفی کاظمی (۲۰۲۰-۲۰۲۲)

مصطفی عبداللطیف مشنت الغریباوی، معروف به مصطفی کاظمی، سیاستمدار عراقی در اواسط دهه ۱۹۶۰ در منطقه کاظمیه بغداد متولد شد. کاظمی، از مخالفان سرسخت رژیم صدام حسین و حزب بعث بود و به دلیل تهدیدات امنیتی از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۳، در خارج از عراق زندگی می‌کرد. وی در چندین کشور اقامت داشته و در عین حال به‌عنوان روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر فعالیت می‌کرد. کاظمی یکی از معدود سیاستمداران عراقی است که کارنامه درخشانی در حوزه رسانه و مطبوعات دارد. او پس از سقوط رژیم سابق، به بغداد بازگشت و مدت کوتاهی برای شبکه‌های رسانه‌ای عراق کار کرد. سپس از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ ریاست مرکز ذاکره (یادبود) عراق را بر عهده گرفت. مرکزی که عمده فعالیتش در حوزه ساخت مستند درباره جنایات صدام حسین بود و او در این مدت به یکی از اولین مستندسازان و تصویرسازان جنایات دوران دیکتاتوری عراق در آن رژیم تبدیل شد. وی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ سردبیر و نویسنده بخش نبض عراق وبسایت آمریکایی المانیتور بود. از آنجایی که کاظمی به‌عنوان یکی از چهره‌های شناخته شده رسانه‌ای در عراق شهرت یافته بود و بسیاری از عراقی‌ها با نوشته‌های او آشنا بودند، در سال ۲۰۱۶ به ریاست سرویس اطلاعات ملی عراق رسید (mustafaalkadhimi, ۲۰۲۵). در سال ۲۰۲۰، پس از اعتراضات گسترده و استعفای نخست‌وزیر عادل عبدالمهدی، کاظمی -که چهره‌ای غیر همسو با ایران و نزدیک به آمریکا بود- مأمور تشکیل دولت در یک دوره انتقالی حساس شد و تا سال ۲۰۲۲ نخست‌وزیر عراق باقی ماند. کاظمی به طور گسترده از سوی نزدیکان و سیاستمداران به‌عنوان فردی با ذهنیت عملگرا و همچنین دارای روابط خوب با همه بازیگران اصلی در طیف سیاسی عراق و همچنین با ایالات متحده آمریکا دیده می‌شود.

رابطه کاظمی با ایران

کاظمی در مقطعی بسیار حساس زمام امور را در دست گرفت. عراق در اوج بحران‌های اجتماعی به سر می‌برد؛ خیابان‌ها در کنترل طرفداران جنبش تشرین بودند؛ دولت عادل عبدالمهدی متعاقب فشارها سقوط کرده بود؛ سردار سلیمانی به تازگی ترور شده بود، تنش در روابط آمریکا و ایران در بالاترین سطح خود قرار داشت، کنسولگری ایران مورد هجوم طرفداران جنبش تشرین قرار گرفته بود و حاکمیت عراق در ضعیف‌ترین وضعیت ممکن از زمان سقوط صدام قرار داشت. کاظمی چهره‌ای غیر همسو با ایران و گزینه نزدیک به ایالات متحده آمریکا پس از روی کار آمدن با وعده بهبود وضعیت اجتماعی

توانست بر ناآرامی‌های اجتماعی غلبه کند. وی بر خلاف اسلاف خود که سال‌ها در ایران زیسته بودند، سال‌های تبعید را در لندن و آمریکا سکونت داشته و ارتباطات قوی و گسترده‌ای نیز طی آن سال‌ها با مقامات کشورهای میزبان ایجاد کرده بود.

با این حال عملکرد وی همچنان مورد انتقاد طیف قابل توجهی از جامعه عراق از جمله شیعیان قرار داشت. کوتاهی مصطفی الکاظمی در تأمین امنیت سردار قاسم سلیمانی و مهدی المهندس -در زمانی که وی مسئول عالی اطلاعات عراق بود- فضای تنش‌آلودی را میان وی و گروه‌های همسو با ایران اعم از کتائب حزب‌الله و جریان فتح ایجاد کرده بود، تا جایی که این جریان‌ها را به مخالف سرسخت نخست‌وزیری کاظمی تبدیل کرده بود. در آوریل ۲۰۲۰ کتائب حزب‌الله عراق با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که دست‌های مصطفی الکاظمی به خون مهدی المهندس و سردار قاسم سلیمانی آلوده است و نخست‌وزیر عراق را به همکاری با نیروهای آمریکایی در ترور این دو شخصیت محکوم کرد (Aljazeera, ۲۰۲۰).

هر چند الکاظمی در زمان صدارتش، میزبان گفتگوهای آشتی میان تهران و ریاض بود اما واقعیت این است که وی گزینه مورد نظر ایران برای نخست‌وزیری عراق نبود. الکاظمی رابطه خوبی با ترامپ داشت و حمایت لفظی مقامات آمریکایی در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ گویای ارتباط نزدیک الکاظمی با آمریکا بود. وی بارها صراحتاً اعلام کرده بود که عراق میدان مبارزه و رقابت میان ایران و آمریکا نیست و دولت اجازه موشک‌پرانی به کشورهای همسایه از طریق خاک عراق را نمی‌دهد. وی اظهارات مشابه‌ای در ملاقات با سفیر ایران نیز بیان داشته و در مجموع در تلاش بود تا از تشدید تنش میان دو کشور جلوگیری کند (Ahmadian, ۲۰۲۰). برای شناخت بهتر مواضع الکاظمی درباره ایران گفتگوی وی با نشریه اینترنتی **المجله** پس از دو سال دوری از عرصه سیاسی و بازگشت به عراق در سال ۲۰۲۵ حاوی نکات مهمی است که می‌تواند تصویر روشن‌تری از مواضع وی نسبت به ایران ارائه دهد. وی در این گفتگو بیان می‌دارد:

«از همتایانم در جمهوری اسلامی می‌خواهم که رویکرد خود را نسبت به منطقه -و به‌ویژه عراق- مورد بازنگری قرار دهند تا بتوانیم به سمت رابطه‌ای مبتنی بر منطق دولت، تحت حاکمیت نهادها و چارچوب‌های روشن برای همکاری‌های دو جانبه حرکت کنیم. عراق باید از منافع ملی حیاتی خود محافظت کند، امنیت ملی خود را حفظ کند و به هویت عربی خود مجدداً بازگردد. از این رو، از شرکای خود در جمهوری اسلامی می‌خواهم که موضع منطقه‌ای خود -به‌ویژه در عراق- را مجدداً ارزیابی

نموده و به تدوین یک دیدگاه جامع بر اساس منطق حل و فصل اقدام نمایند و نه استثمار. این دیدگاه باید در مفهوم دولت و نهادهای آن ریشه داشته باشد و به جای صدور ایدئولوژی انقلابی، روابط پایدار و همسایگی را جایگزین کند» (المجله، ۲۰۲۵).

۷- محمد شیاع السودانی (۲۰۲۲-۲۰۲۵)

محمد شیاع السودانی متولد ۱۹۷۰ در شهر بغداد است. او هر چند تا سال ۲۰۱۹ عضو حزب الدعوه بوده اما بر خلاف اسلاف خود که بخشی از جریان اپوزیسیون خارج از عراق و به نوعی مبارز بودند، از چنین پیشینه‌ای برخوردار نیست. وی در سال ۱۹۹۲ در رشته علوم کشاورزی از دانشگاه بغداد مدرک لیسانس و در سال ۱۹۹۷ مدرک فوق لیسانس را در رشته مدیریت پروژه دریافت نمود. در دوران حکومت صدام حسین، وقتی سودانی کودک بود پدر و پنج تن از اعضای خانواده‌اش به اتهام عضویت در حزب الدعوه، اعدام شدند. سودانی خود نیز در سنین جوانی وارد فعالیت‌های سیاسی شد و در ۱۹۹۱ در شورش‌های شیعیان علیه صدام شرکت داشت. اما گفته می‌شود پس از آن، سودانی وارد همکاری با دولت صدام شد و به‌عنوان ناظر بر پروژه‌های بزرگ کشاورزی فعالیت خود را آغاز کرد (Washington Institute, ۲۰۲۲). سودانی در سال ۲۰۰۴ و پس از سقوط صدام، فعالیت سیاسی خود را در استان میسان آغاز کرد. وی برای مدتی شهردار شهر عماره و پس از آن در سال ۲۰۰۹ فرماندار استان میسان شد. پس از آن و در دولت نوری المالکی، چندین سمت را عهده‌دار شد: وزیر حقوق بشر در دولت دوم نوری مالکی (۲۰۱۰-۲۰۱۴)، سرپرست وزارت مالیه (۲۰۱۴)، سرپرست وزارت مهاجرت و آوارگان (۲۰۱۴). در دولت حیدر العبادی و عادل عبدالمهدی نیز چندین سمت داشت: وزیر کار و امور اجتماعی (۲۰۱۴)، سرپرست وزارت تجارت (۲۰۱۵) و سرپرست وزارت صنعت و معدن (۲۰۱۶). متعاقب اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ که منجر به استعفای عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر وقت عراق گردید، سودانی به‌عنوان نامزد این پست در نظر گرفته شد، اما پس از مطرح شدن نامزدی مصطفی الکاظمی برای پست نخست‌وزیری و افزایش شانس او، سودانی از رقابت کنار رفت (Ibid). سودانی پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۱ پس از یک سال بن‌بست در مذاکرات سیاسی در ۲۷ اکتبر ۲۰۲۲ به‌عنوان نخست‌وزیر عراق سوگند یاد کرد. عراق در زمان صدارت السودانی شاهد پیشرفت‌های گسترده‌ای در زیرساخت‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش، مبارزه با فساد، کاهش فقر و گسترش ساخت و ساز بود. به گفته السودانی از ۱۴۷۱ پروژه‌ای که در ابتدای دولت وی متوقف شده بودند، ۵۵۵ پروژه احیا و ۴۴۲ قرارداد دیگر در سراسر استان‌های عراق از سر گرفته شده است. پروژه‌های زیرساختی مانند کاهش

ترافیک در بغداد و بهبود تصفیه فاضلاب و شبکه‌های آب آشامیدنی نیز در دوره سودانی از پیشرفت قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. همچنین در دولت وی، تولید برق به بالاترین میزان یعنی ۲۷۰۰۰ مگاوات رسیده و ابتکارات جدیدی از جمله ۱۵ پروژه خورشیدی با ظرفیت ترکیبی ۵۷۲۰ مگاوات در این کشور در حال انجام است (thenewregion; ۲۰۲۴).

رابطه سودانی با ایران

یکی از ویژگی‌های مهم سودانی، تلاش وی برای برقراری تعادل در ارتباط با ایران و آمریکا بوده است. در همین چارچوب انتصاب‌های اعضای کابینه و مقامات دولت او شامل گزینه‌های متنوعی بود که همه طیف‌ها را در بر گرفته و حتی برخی از آنها در لیست تحریم آمریکا قرار داشتند. به‌عنوان مثال ریاست دفتر رسانه‌ای شخص نخست‌وزیر بر عهده فردی به نام ربیع نادر بوده که پیش‌تر در رسانه‌های وابسته به کتائب حزب‌الله و عصاب اهل الحق فعالیت داشته و یا انتصاب دکتر نعیم العبودی به‌عنوان وزیر آموزش عالی و تحقیقات در کابینه سودانی که یکی از اعضای عصاب بوده، از دیگر جلوه‌های تسامح نخست‌وزیر عراق برای برقراری توازن در کابینه‌اش بوده است (Washington Institute, ۲۰۲۲).

رابطه دولت سودانی با ایران فارغ از عناصر تأثیرگذار داخلی نظیر منافع مشترک و متعارض داخلی، تاریخی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی، تا اندازه زیادی متأثر از فضای رابطه ایران با آمریکا بود. در سال ۲۰۱۹ و در دولت اول ترامپ، ایالات متحده تحریم‌هایی را علیه عصاب اهل الحق و تیپ النجباء و سپس سال بعد علیه تیپ‌های حزب‌الله عراق اعمال کرد. در همین سال بود که اولین حملات موشکی از سوی گروه‌های مسلح عراقی به سفارت آمریکا در بغداد آغاز شد. از سرگیری حملات به منافع آمریکا در عراق پس از حملات هفت اکتبر ۲۰۲۳ حماس، که پس از تشکیل دولت سودانی به حالت تعلیق درآمده بود، بیانگر نقش تحولات منطقه‌ای بر گروه‌های شیعی عراقی و تأثیرپذیری آنها از روابط میان ایران و آمریکا است. متعاقب این تحولات و با تهدید گسترش دامنه جنگ به عراق و افزایش فشارهای داخلی و خارجی بر عراق، گروه‌های مسلح عراقی، حمله به مواضع آمریکا و اسرائیل پس از ۷ اکتبر ۲۰۰۳ را متوقف نمودند. اما به نظر می‌رسد با توجه به تشدید تنش‌ها در رابطه ایران و آمریکا در دوره دوم ترامپ این مسئله بر آینده عراق و گروه‌های مسلح شیعی همچنان تأثیرگذار باشد. بسیاری از جریان‌های سیاسی عراقی که خواهان دور ماندن عراق از تنش‌های منطقه‌ای هستند بر این باور هستند که بغداد برای برون رفت از بحران فعلی باید در راستای ایجاد گفتگو با دولت ترامپ گام برداشته و متعهد به حفاظت از منافع آمریکا در خاک خود باشد و در عین حال جناح‌های طرفدار ایران را مهار

کند. این طیف از منتقدان بر این باور هستند که عراق همچنین باید با تعریف یک سیاست منسجم در قبال نفوذ ایران، روابط خود با تهران و واشینگتن را متعادل کند. علاوه بر این، برای دولت عراق ضروری است که همکاری خود را با ایالات متحده برای تثبیت اقتصاد خود و بهبود قابلیت‌های نظامی و اطلاعاتی، به‌ویژه در مبارزه با داعش، تقویت کند (Eismena, ۲۰۲۴). روند تحولات اخیر خاورمیانه، بیانگر آن است که همین سیاست از سوی سیاستمداران عراقی در حال پیگیری است و دولت عراق در تلاش است تا در جهت کاهش تنش‌ها میان ایران و آمریکا، از سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت آمریکا حمایت کند. اعمال فشار بر گروه‌های همسو با ایران و حذف آنها از معادلات سیاسی از مهم‌ترین مطالباتی است که دولت آمریکا در حال اجرای آن است.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که:

۱- عملکرد هر یک از نخست‌وزیران عراق به شرایط عمومی این کشور در مراحل مختلف و سه عامل مهم بستگی دارد: ۱) دولت‌سازی ۲) مبارزه با ناامنی و داعش ۳) سازندگی.

در بررسی تحولات عراق در می‌یابیم که همه دولت‌های پسا صدام تا زمان روی کار آمدن السودانی هر یک به نوعی درگیر مقابله با ناامنی بوده و اکثریت بودجه کشور صرف تقویت نیروی نظامی و امنیتی می‌شد. این السودانی بود که توانست با تکیه بر میراث گرانبهای گذشتگان به بازسازی عراق بپردازد. ناگفته پیداست که آمریکا با تسلط بر مقدرات اقتصادی و کنترل بانک مرکزی عراق، نحوه هزینه درآمدهای این کشور را مدیریت می‌کند و این در حالی است که تا پیش از السودانی، واشینگتن همراهی لازم را در امر بازسازی مبذول نمی‌داشت.

۱- بررسی دقیق نحوه روی کار آمدن همه دولت‌های پسا صدام که با انتخابات بر سر کار آمده‌اند بیانگر آن است که افزون بر عوامل داخلی موثر در شکل‌دهی به فراکسیون‌های مجلس اما دو نیروی خارجی نقش ثابتی در مدیریت صحنه و انتخاب نخست‌وزیر ایفا کرده‌اند. ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران همواره در صحنه سیاسی عراق حضور داشته و نقش اصلی را ایفا نموده‌اند. هر چند که بنا به شرایط کلی و قوت و ضعف هر یک از این دو در اداره بازی، نقش آنها در مقاطعی دچار کاستی و یا فزونی گردیده اما دو قدرت غالب هیچ‌گاه از صحنه خارج نشده‌اند. طبیعی است که همه دولت‌ها پس از استقرار و بنا به شرایط کشور گاهی انتقاداتی را نسبت به عملکرد هر یک از این دو نیروی خارجی به عمل آورده‌اند اما همواره حداقل‌های مد نظر آن دو را در نظر داشته‌اند.

۲- تنها ایاد علاوی بود که با در نظر نگرفتن این معادله، کوشید تا سمت‌گیری غیر اسلامی و متعارض با ایران را بر کشور حاکم کند. او بیشتر از کادرهای بعثی استفاده می‌کرد و تلاش می‌کرد تا برداشتی از قومی‌گرایی عربی توأم با مناسبات با غرب را بر کشور حاکم کند. علاوی گرچه حداقل‌های لازم در مناسبات با ایران را مراعات می‌کرد اما عملکرد او به طور کلی در تعارض با سیاست‌ها و متحدان ایران در عراق بود.

۳- ابراهیم الجعفری، شخصیت برجسته اسلام‌گرا و رهبر تاریخی حزب الدعوه پس از سید محمد باقر صدر کوشید تا نقش اسلام‌گرایان را در حاکمیت بیشتر کند. او در طول دوران کوتاه نخست‌وزیری خود ناگزیر از آن شد تا در صحنه داخلی با باقی مانده‌های حزب بعث و نظام سابق مبارزه کند. در صحنه منطقه‌ای هم تلاش کرد تا مناسبات متعادلی با کشورهای عربی برقرار سازد. هر چند که در این زمینه موفقیت چشمگیری به دست نیاورد. اما مناسباتش با ایران به دلیل رابطه تاریخی، قوی‌تر از آن بود که نیاز به بیان داشته باشد. علی‌رغم اینکه جعفری در انتخابات مجلس اکثریت قاطع را کسب کرد اما ایالات متحده آمریکا با کمک برخی طرف‌های داخلی در عراق مانع از استمرار دولت او شد.

۴- نوری المالکی قوی‌ترین شخصیتی بود که پس از سقوط صدام در عراق به قدرت رسید. او توانست حضور نیروهای آمریکایی در عراق را به شدت محدود کند. بقایای حزب بعث را سرکوب سازد. در برابر مداخله کشورهای عربی همسایه عراق به‌ویژه قطر، عربستان، سوریه و همچنین ترکیه ایستادگی کند. می‌توان گفت که شکل کلی نظام کنونی عراق مدیون تلاش نوری المالکی است. مناسبات بسیار قوی با ایران و مناسبات منطقی با آمریکا به او این فرصت را داد تا در همه ماموریت‌های خود موفق عمل کند. هر چند که تنش‌های موجود در کشور مانع از آن شد که بتواند توجه زیادی به بازسازی مبذول دارد. اما او تنها کسی بود که توانست دو دوره متوالی بر عراق حکومت کند و پس از آن نیز همچنان نفوذ نسبی خود در ساختار حاکمیتی عراق را حفظ کرده است.

۵- حیدر العبادی دانش‌آموخته انگلیس و از شخصیت‌های برجسته جریان اسلامی عراق به شمار می‌رفت. وی که افزون بر هویت عراقی از هویت انگلیسی نیز برخوردار بود در تلاش برآمد تا مناسبات با غرب و همچنین کشورهای عربی را تقویت کند. هر چند که ظهور داعش مانع از موفقیت او در کشورداری و توجه به سازندگی گردید. حیدر العبادی مناسبات خود با ایران را به طور کامل حفظ کرد. وی سمت‌گیری اسلامی کشور را تقویت نموده و در عین حال طرفدار مناسبات بسیار قوی با غرب بود.

۶- عادل عبدالمهدی رابطه استراتژیک با ایران و همچنین مناسبات بسیار خوبی با آمریکا برقرار کرد. اما در زمان صدارت وی تضاد بین آمریکا و ایران اوج گرفت، فضای سیاسی و اجتماعی عراق بسیار متشنج شد، و در نهایت در کنار تشدید فضای ضد ایرانی متعاقب تحرکات جنبش تشرین، آمریکا به کمک عوامل داخلی دست به ترور سردار قاسم سلیمانی زد. متعاقباً عادل عبدالمهدی از سمت خویش استعفا داد تا جای خود را به کسی بدهد که غرب‌گراتر از او بود. به دیگر سخن، گویی موازنه قوا چنان تغییر کرد که دیگر آمریکا به نخست‌وزیر میانه‌ای همچون عادل راضی نبود و باید نخست‌وزیری بر سر کار می‌آمد که سهم بیشتری به غرب اختصاص دهد.

۷- مصطفی الکاظمی با شناخت دقیق معادلات داخلی روابط خوبی با اکثر جریان‌های مختلف برقرار کرد و از حمایت مقتدی صدر هم برخوردار بود. الکاظمی گرچه مناسبات حداقلی را با ایران حفظ کرد اما بیش از همه با غرب و به‌ویژه آمریکا هماهنگ بود.

۸- شیاع السودانی توانست با جلب رضایت آمریکا و ایران جریان مقتدی صدر را که پیروز نسبی انتخابات بودند کنار زده و به نخست‌وزیری برسد. او با پیشنهاد نوری المالکی به قدرت رسید اما برای موفقیت در امر بازسازی بسیاری از نظرات حامیانش را نادیده گرفت و مسیر متفاوتی در پیش گرفت. به هر روی کارنامه شیاع السودانی گویای آن است که او موفق‌ترین نخست‌وزیر عراق در دوران پسا صدام بوده است.

۹- در مجموع می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که فارغ از عناصر تأثیرگذار داخلی نظیر منافع ملی مشترک و متعارض تاریخی، سیاسی و فرهنگی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر روابط و مناسبات دولت‌های حاکم بر عراق با ایران، عوامل خارجی نظیر نقش و جایگاه قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بالاختص مناسبات میان ایران و آمریکا باقی خواهد ماند. هرچند رقابت میان دو بازیگر در میدان عراق برای حذف دیگری ادامه دارد، اما هیچ‌یک از این دو به طور کامل حذف نخواهند شد اما منوط به شرایط و توازن قوا در منطقه، سهم هر یک در نقش‌آفرینی کم و زیاد خواهد شد. همچنین تلاش‌های پیوسته سایر قدرت‌های منطقه‌ای اعم از ترکیه و عربستان سعودی برای بر هم زدن این معادله ادامه خواهد داشت.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- الفیاض، علی، و کوشکی، محمد صادق (۱۴۰۲). بررسی علل گسترش روابط اقتصادی عراق و ایران در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰. *فصلنامه مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران*، ۲(۴)، ۸۱-۴۸.

Doi: ۱۰.۶۱۸۳۸/kman.jspsich.۲, ۴, ۳

- ۲- فصل مهم پروژه‌های انرژی میان ایران و عراق، گزارش منتشر شده در خبرگزاری ایسنا به تاریخ ۱۸ تیر ۱۴۰۲:
<https://www.isna.ir/news/۱۴۰۲۰۴۱۸۱۱۲۶۴>

منابع غیر فارسی

- ۱- Counterinsurgency in Iraq (۲۰۰۳-۲۰۰۶): RAND Counterinsurgency Study—Volume ۲, https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/۲۰۰۸/RAND_MG۰۹۵۰۳.pdf
- ۲- Wicken, Stephen, ۲۰۱۳, Iraq's Sunnis in Crisis, Institute for the Study of War, Middle East Security Report ۲, https://ciaotest.cc.columbia.edu/wps/isw/۰۰۳۰۹۸۴/f_۰۰۳۰۹۸۴_۲۵۰۷۷.pdf
- ۳- Iraqi PM Announces New Security Plan, Defense visual information distribution service, , ۰۸,۰۵,۲۰۰۵, available on: <https://www.dvidshub.net/news/۵۳۷۵۲۵/iraqi-pm-announces-new-security-plan>
- ۴- Allawi cites 'dictatorship,' Iranian control in Iraq, available on: <https://www.washingtontimes.com/news/۲۰۱۲/mar/۲۲/allawi-cites-dictatorship-iranian-control-iraq/>
- ۵- Fact Sheet: Ibrahim al-Jaafari, Institute for Study of War, ۲۰۱۰, https://www.understandingwar.org/reference/fact-sheet-ibrahim-al-jaafari?__cf_chl_tk=bnUQ۰۹nv۱B۱۷RcaTlb۶sMTLsWuDdDxJZBwY۸skLVHQM-۱۷۴۲۰۱۵۴۴۰-۱,۰,۱,۱-Q۷GNqv۱ffcntYbNs۹ng۴MRjJA۲Gqh۲_tP۹۹۵aMzqYoY
- ۶- Profile: Iyad Allawi, Aljazeera.net available on: <https://www.aljazeera.com/news/۲۰۱۰/۳/۴/profile-iyad-allawi-۲>
- ۷- Allawi: Iraq must unify or face 'disaster', available on: <https://www.nbcnews.com/id/wbna۶۹۸۹۹۵۶>
- ۸- Iraq's Allawi accuses Iran of destabilizing the Middle East, available on: <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/۸۰۷۰۱۲۷/Iraqs-Allawi-accuses-Iran-of-destabilising-the-Middle-East.html>
- ۹- Keating, Joshua, ۲۰۱۴, Iraq's Built-to-Fail Military, available on: <https://slate.com/news-and-politics/۲۰۱۴/۰۶/how-maliki-s-paranoia-created-iraq-s-dysfunctional-military.html>
- ۱۰- Iraqi government achieved success in all fields -- Al-Maliki, available on: <https://www.kuna.net.kw/ArticleDetails.aspx?id=۱۹۱۲۴۷۳&language=en#>
- ۱۱- Adel Abdul Mahdi, available on: <https://www.globalsecurity.org/military/world/iraq/al-mahdi.htm>
- ۱۲- The Political Journey of Mustapha al-Kadhimi, ۲۰۲۵, available on <https://www.mustafaalkadhimi.com/en/biography>
- ۱۳- Who is Mustafa al-Kadhimi, Iraq's new prime minister? <https://www.aljazeera.com/news/۲۰۲۰/۵/۷/who-is-mustafa-al-kadhimi-iraqs-new-prime-minister>
- ۱۴- Mustafa Al-Kadhimi on why he returned to Iraq, available on : <https://en.majalla.com/node/۳۲۵۰۹۲/politics/mustafa-al-kadhimi-why-he-returned-iraq>

- ۱۵- Al-Kubaisi, Yahya, ۲۰۲۴, Un an au pouvoir : le bilan du gouvernement de Mohammed Chia al-Soudani, accessible sur: <https://eismena.com/article/rapport-devaluation-pour-la-premiere-annee-du-mandat-du-gouvernement-irakien-۲۰۲۴-۰۱-۰۳>
- ۱۶- Elias, Firas, ۲۰۲۴, Les défis de l'Irak face au second mandat de Donald Trump, accessible sur: <https://eismena.com/article/les-defis-de-lirak-face-au-second-mandat-de-donald-trump-۲۰۲۴-۱۱-۲۲>.
- ۱۷- قانون مكافحة الإرهاب رقم ۱۳ سنه ۲۰۰۵. مكتب الأمم المتحدة المعنى بالمخدرات والجريمة:
https://www.unodc.org/uploads/icsant/documents/Legislation/Iraq/Anti-Terrorism_Law_No._۱۳_of_۲۰۰۵_.pdf
- ۱۸- Housni, Amr, ۲۰۲۵, Iraqi PM marks two years in office, citing gains in infrastructure and poverty reduction despite setbacks, <https://thenewregion.com/posts/۱۰۶۳/iraqi-pm-marks-two-years-in-office-citing-gains-in-infrastructure-and-poverty-reduction-despite-setbacks>
- ۱۹- Annan Cautions U.S. Against Escalation in Al-Fallujah, ۲۸ April ۲۰۰۴, available on: <https://www.rferl.org/a/۱۰۵۲۵۳۳.html>
- ۲۰- Iran dominates the Iraqi economy, ۱۶ February ۲۰۱۰, available on: <https://www.asianews.it/news-en/Iran-dominates-the-Iraqi-economy-۱۷۶۳۶.html>
- ۲۱- SPIEGEL Interview with Iraq's Ayad Allawi: ۲۹, ۰۸, ۲۰۱۰, 'Every Corner in the Region Is Frightened', available on: <https://www.spiegel.de/international/world/spiegel-interview-with-iraq-s-ayad-allawi-every-corner-in-the-region-is-frightened-a-۷۱۴۳۶۳.html>
- ۲۲- Sullivan, Marisa, April ۲۰۱۳, Maliki's Authoritarian Regime, available on: <https://www.understandingwar.org/sites/default/files/Malikis-Authoritarian-Regime-Web.pdf>
- ۲۳- Barry, Ben, ۱۱ February, ۲۰۱۵, ISIS military advances during Iraq's Maliki government, International Institute for Strategic Studies, available on; <https://www.iiss.org/online-analysis/military-balance/۲۰۱۵/۰۲/isis-military-in-iraq/>
- ۲۴- Ahmadian, Hassan, July ۲۴, ۲۰۲۰, Why did Iran back Mustafa al-Kadhimi as Iraqi prime minister?, available on: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/why-did-iran-back-mustafa-al-kadhimi-as-iraqi-prime-minister/>
- ۲۵- Alterman, Jon, ۱۷ May ۲۰۲۲, Haider al-Abadi: Iraq and the Fight Against the Islamic State, Center for Strategic and International Studies, available on: <https://www.csis.org/analysis/haider-al-abadi-iraq-and-fight-against-islamic-state>
- ۲۶- Kadow, May, Nov ۱۸, ۲۰۲۲, Who Is Mohammed Shia al-Sudani? Erik Yavorsky, available on: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/who-mohammed-shia-al-sudani>